مشکیات نماز یومیه و غیره بسم الله الرحمن الرحیم برسم مجتهد زمان اخوند مرحوم ملا محمد باقر بهبهانی

الحمد لله کما هو اهله بدانکه شک در عدد رکعات نماز یومیه در یک دو وجه در نماز
چهار رکعتی و چه در نماز مغرب و نماز صبح و نماز کسوف و خسوف و زلزله و ایات و عیدین
... خواه پیش از رکوع و خواه بعد
... ات ایستاده پیش از رکوع
... دویم باطل سر از سجده
... بکند که چهار شود و سلام دهد
... دو و چهار در حالت ایستاده
... سجده دویم برداشته بگوید چهار است
... دو رکعت نماز ایستاده بجای
... قربة الی الله حمد تنها بخواند
... دو و سه و چهار واقع شود در حالت
... سر برداشته باشد بگوید
... دو بعد است این دو تا نی چهار
... دو رکعت نشسته نیز یک
... جمله نمازها را خدا ثواب علیحده میدهد

در حاشیه

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: رساله اصول دین
مؤلف متن: ملا محمد باقر بهبهانی محشی
شارح ... مترجم
تاریخ تحریر ... نوع خط: نستعلیق تعداد سطر: در حاشیه
نام کاتب
موضوع: فقه زبان: فارسی عدد اوراق: ۵
طول: ۲۱ عرض: ۱۵ شماره عمومی: ۳۲۳۸۱
وقفی / خریداری: ناظم همایون مقدم تاریخ وقف: مهرماه ۱۳۱۴
ملاحظات
نسخه روایت رسیده.

و شک میان سه و چهار هر جا که باشد خواه در رکوع و خواه در سجده ها بنا بر چهار است نماز خود را تمام کند
و سلام دهد و بعد از سلام دو رکعت نماز نشسته احتیاطا میکنم قربة الی الله و نیت را زبانی کند
نماز باطل است و هرگاه رو از قبله در حالت اوهام بگرداند نماز باطل است اگر سهو کرد و شک
در چهار و پنج مادامیکه برکوع نرفته است بگوید که پنج است فرو نشیند و سلام دهد و دو
رکعت نشسته نماز احتیاط بکند که مبادا انکه او خواب کرده چهار باشد نه پنج و دو سجده
سهو احتیاط بکند مبادا که برخواستن او زیاد باشد رکوع رفت و شک کرد که چهار است
یا پنج بگوید که چهار است سجده اول بگوید چهار سجده دویم بگوید چهار و سر از سجده دو
برداشته باز گوید چهار است و سر از سجده دویم برداشته باشد شک کند که چهار است
یا پنج بگوید چهار است و سلام دهد و دو سجده احتیاط کند این همه شک در چهار و
پنج این مکانها که گفتیم این کارها بکند و احتیاط نماز نشسته را بار دیگر بکند نیت قربة الی الله
و شک در رکن نماز و غیر رکن تفاوت نمیکند اگر محلش باقی باشد تلافی میکند
و اگر محلش گذشته باشد میگوید کردم و سوره داخل نشده شک در حمد دارد دو باره بخواند
و برکوع نرفته شک از سوره دارد و سوره بخواند بسجده نرفته شک از رکوع دارد در رکوع
به تشهد داخل نشده و شک از سجده ها دو سجده دارد میکند گوید که یکی کردم یا دو یکی
دیگر میکند خوب و اگر ایستاده و شک از تشهد دارد و بر میگردد و تشهد میخواند
و تکبیر گفته شک از نیت دارد بگوید بلی کردم بسم الله گفته شک از تکبیر دارد بگوید

شکیات نماز یومیه دیگر بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] مجتهد زمان [illegible] مرحوم [illegible] محمد باقر بهبهانی

الحمد لله کما هو اهله بدانکه شک در عدد رکعات نماز یومیه در یک دو و چه در نماز
چهار رکعتی و چه در نماز مغرب و نماز صبح و نماز کسوف و خسوف و زلزله و آیات و عیدین
و نماز جمعه و در این جمله هر کدام که شک کند نماز او باطل میشود خواه پیش از رکوع و خواه بعد
و خواه پیش از سجده ها و خواه بعد و همچنین شک در دو و سه در حالت ایستاده پیش از رکوع
باطل و در حالت رکوع باطل و در سجده اول باطل و در سجده دویم باطل سر از سجده
برداشته بگوید سه رکعت است و برخیزد یک رکعت دیگر بکند که چهار شود و سلام دهد
و بعد از سلام یک رکعت ایستاده احتیاط بکند و شک در دو و چهار در حالت ایستاده
باطل و در رکوع باطل و در حالت سجده ها باطل سر از سجده دویم برداشته بگوید چهار است
و سلام دهد تکبیرات نا گفته رو از قبله نابد تا تمام برخیزد و دو رکعت نماز ایستاده بجای
آورد و نیت چنین کند که دو رکعت نماز احتیاط میگذارم قربة الی الله حمد تنها بخواند
و قنوت هم ندارد و اما تشهد و سلام تمام دهد و شک در دو و سه و چهار واقع شود در حالت
ایستاده و در رکوع و در سجده ها باطل و بعد از تمام سجدتین سر برداشته باشد بگوید
چهار است و سلام دهد و دو رکعت نماز ایستاده بکند اگر دو بوده است این دو تای چهار
شود و دو رکعت هم نشسته نماز احتیاط بکند اگر سه بوده است دو رکعت نشسته نیز یک
رکعت ایستاده حساب شود که او را چهار کند و اگر چهار بوده این جمله نمازها را خدا ثواب علیحده میدهد

و شک سه و چهار هر جا که باشد خواه در رکوع و خواه در سجده ها بنا بر چهار است نماز خود را تمام کند
و سلام دهد و بعد از سلام دو رکعت نماز نشسته احتیاطا میکنم قربة الی الله و نیت را زبانی کند
نماز باطل است و هر گاه رو از قبله در حالات او ام بگرداند نماز باطل است از سر گیرد و شک
در چهار و پنج مادامیکه برکوع نرفته است بگوید که پنج است فرو نشیند و سلام دهد و دو
رکعت نشسته نماز احتیاط بکند که مبادا آنکه او خواب که ده چهار باشد و پنج و دو سجده
سهو احتیاط بکند مبادا که برخواستن او زیاد باشد رکوع رفت و شک کرد که چهار است
یا پنج بگوید که چهار است سجده اول بگوید چهار سجده دویم بگوید چهار و سر از سجده دو
برداشته باز گوید چهار است و سر از سجده دویم برداشته باشد شک کند که چهار است
یا پنج بگوید چهار است و سلام دهد و دو سجده احتیاط کند این همگان شک در چهار و
پنج این مکانها که گفتیم این کار را بکند و احتیاط نماز شک را بار دیگر بکند نیت قربة الی الله
و شک در رکن نماز و غیر رکن تفاوت نمیکند اگر محلش باقی باشد تلافی میکند
و اگر محلش گذشته باشد میگوید کردم و سوره داخل نشده شک از حمد دارد و بخواند
و برکوع نرفته شک از سوره دارد و سوره بخواند بسجده نرفته شک از رکوع دارد رکوع
بتشهد داخل نشده و شک از سجده ها دارد دو سجده میکند گوید که یکی کردم یا دو یکی
دیگر میکند خوب و اگر ایستاده و شک از تشهد دارد و بر میگردد و تشهد میخواند
و تکبیر گفته شک از نیت دارد بگوید بلی کردم بسم الله گفته شک از تکبیر دارد بگوید

بلی گفتم سوره میخواند شک از حمد دارد بگوید بلی خواندم برکوع رفته و شک از
سوره دارد بگوید بلی خواندم سجده رفته و شک از رکوع دارد بگوید بلی کردم تشهد
میخواند و شک از سجده دارد بگوید بلی کردم حمد میخواند و شک از سجده ها و
تشهد دارد بگوید بلی کردم و قنوت میخواند شک از حمد و سوره دارم بگوید بلی
کردم امّا اگر چیزی باقی باشد و تلافی بکند بعد از آن شک یقین شود که کرده
بجا نیاورده بار دیگر که کردم آنرا دو تا شد اگر جزو است نماز باطل است مثل اللّه اکبر
نگفته بود شک از تکبیر داشته بود یقین شد که تکبیر من دو تا شد نمازش باطل
و نشسته شک از سجده ها هر دو دارد دو سجدهٔ دیگر کرده نمازش باطل است و ایستاده
شک از رکوع دارد یقین شد که رکوع دو تا شد نمازش باطل است اگر این چنین چیزها
که یقین شود در بعض دوئی آنها رو از قبله بگرداند و نماز را از سر گیرد و اگر سلام هم
داده است نماز را اعاده کند امّا مثل حمد و سوره و تشهد که شک یقین شود
که من کرده ام این دو تا شد باکی نیست و بعد از دو سجدهٔ سهو احتیاطاً
برای زیادتی میکند یکی سجدهٔ تنها هم باطل است این هم دو سجدهٔ سهو احتیاط
امّا کثیر الشک را اعتبار ندارد و نمازش درست است و کثیر الشک کسی را گویند
که در یک نماز سه شک کند یا در هر نماز هم شک کند و کثیر الشک کند یک است
یا دو بگوید دو و شک کند که دو است یا سه بگوید سه و شک کند که سه است یا چهار بگوید چهار و شک کند

چهار است یا پنج بگوید چهار در نماز تمام کثیر الشک گوید یک است یا دو بگوید دو و شک کند
دو است یا سه بگوید سه و شک کند سه است یا چهار بگوید سه و نماز را تمام کند و نماز صبح کثیر
الشک یک است یا دوم بگوید دو دو است یا سه بگوید دو دو رکعت نماز کثیر الشک و شک او
اعتباری ندارد یک یا دو بگوید دو دو بود یا سه بگوید سه دو رکعت نماز احتیاط میکند یادش
آید که آن نماز من تمام بود و این نماز را باطل نکند و نافله و هدیه تمام کند میانه حمد یادش
که تکبیرة الاحرام نگفته ام نمازش باطل است رو از قبله بگرداند و نماز را از سر گیرد و برکوع رفته
یادش آمد که حمد و سوره نخوانده باکی نیست بعد از سلام دو سجدهٔ احتیاط میکند و نشسته
موضع سبب سجده میشود نیست بمهر نرسیده بیادش آمد که من رکوع نکرده ام
راست بایستد و برکوع رود و بعد از سلام دو سجدهٔ احتیاط کند بمهر رسیده بیادش
آمد که رکوع نکرده است خواه ذکر کرده باشد و خواه نکرده نماز او باطل است رو از قبله بگرداند
و نماز را از سر گیرد تشهد بالیت در رکعت دویم نخوانده و از فراموشی سلام را داد بیادش
آمد که من دو رکعت نماز بایست بکنم نماز من باقی است اگر رو از قبله نگردانده باشد
و فعل کثیر بعمل نیاورده باشد برخیزد دو رکعت نماز دیگر را بگذارد و دو سجدهٔ برای سلام غیر
وقت بکند و اگر رو از قبله برگشته است نماز او باطل است حمد میخواند یادش آمد که یک سجده
نکرده و تشهد را هم نخوانده مادامی که برکوع نرفته است فوراً می نشیند اگر طمأنینه نکرده است
میکند و سجدهٔ نکرده را میکند و تشهد نخوانده را میخواند و بر میخیزد و حمد را از سر میگیرد.

و بعد از سلام دو سجده احتیاط میکند برکوع رفت بیادش آمد که حالا [illegible]
آن بتواند کرد نمازش درست نماز خود را تمام میکند و سجده و تشهد نخوانده را میخواند
و چهار سجده میکند دو برای سجده و دو برای تشهد حمد میخواند بیادش آمد که این رکعت
زیاد است خواه نماز صبح و خواه نماز شام و خواه نماز چهار رکعتی تا مادامیکه برکوع نرفته است
فرو نشیند اگر تشهد نخوانده است میخواند و سلام میدهد و دو سجده برای
برخواستن زیادتی میخواند در رکوع رفته بیادش آمد که این رکعت زیاد است اگر در رکعت
چهارم تشهد خوانده فرو نشیند و سلام دهد و دو سجده احتیاط کند و اگر تشهد را
نخوانده باشد نماز او باطل است و اگر رکن زیاد شد و اگر نماز صبح و شام باشد
نماز او باطل است هر چند در عدد رکعت هم تمام باشد و تشهد هم خوانده باشد
و در نماز چهار رکعت هم اگر دو رکعت زیاد کرده باطل است و همچنین نیت ظهر باید
بکند عصر کرد در بین نماز یادش آمد عدول کند و اگر بعد از نماز یادش آید اگر چهار رکعت
اول ظهر نماز عصر کرده است نماز او باطل است باز نماز ظهر را اول بکند و بعد عصر را و اگر چهار رکعت
از اول ظهر گذشته باشد آن نماز را که کرده است عصر و بعد ظهر را بکند و در هر جا که شک
کند به تامل نماز خود را باطل نکند هر چند که یک و دو باشد شک کند که این رکعت نماز که من میکنم
یک یا دو کدام یک و یک کدام دو است دو کدام نشد بهیچ یک شک باقی است شک در دو و سه
و دو و چهار و دو و سه و چهار و شک در چهار و پنج و شک در رکن و غیر رکن در اینها باید

که تامل کند تا ظنش بهر یک [illegible] بعمل آورد و نماز خود را عبث باطل نکند و عمل خود را
ضایع نگرداند و بعد [illegible] والسلام تمت ۱۲۱۷

من کلام حافظ — اصول دین

بعد حمد خدا و نعت رسول   بکتاب البدیع زوج بتول   شاه مردان علی ولی الله
که جز او نیست در حقیقت شاه   دین حق دین شاه مردان است   هر که [illegible] است
جعفری باش گر خدا خواهی   ور نه در هر طریق که گمراهی   دوستدار علی عالی باش
شیعه مؤمن و موالی باش   گر ترا هست مهر دین در دل   مشو از اصل و فرع آن غافل
سخن حق بگوش جان بشنو   میکند حافظ این بیان بشنو   ای مکلف اصول دین پنج است
علم هر یکی ترا به از گنج است   هست توحید خالق داور   باز عدل و نبوت است دیگر
اصل چهارم که امامت است بدان   که بدان اصل کامل است ایمان   اصل پنجم که هست غیر معاد
یاد گیر و بدان طریق رشاد   که بدانی تو معنی توحید   رو کن بسوی عالم تجرید
آفریننده جهان است یکی   هستیش واجب است و نیست شکی   ثابت ذات اوست این صفات
حی مدرک دیگر قدیم بذات   عالم و قادر است اهل خبیر   متکلم و مرید و صادق نیز
خالق انس و جن ارض و سما   صمد و واحد است بی همتا   کاره فعلهای نازیبا
هست بری ز حلول نیست روا   غیر او صانع دو عالم نیست   نیست محتاج [illegible] نیست
نیست او را شریک ذات و صفات   نیست زائد صفات او بر ذات   نه مرکب نه جسم نه مرئیست
نیست محتاج جای حادث نیست   در مکان و جهت مدان تو او را   که این صفات بر وی نیست روا